

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

محمد تقی سبحانی نیا^۱

چکیده:

در میان کتب به یادگار مانده از پیشینیان، برخی آثار، دارای ویژگی‌های بارز و متمایزند، که آنها را برای آیندگان مهم می‌کند. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید نیز از آثاری است که ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. برخورداری مؤلف از ذوق ادبی، و آگاهی گسترده او از وقایع تاریخی عصر صدور خطبه‌ها و سخنان امام علی، از ویژگی‌های بارز این شرح است که شناخت این اثر نفیس را بر دانش‌پژوهان علوم اسلامی، ضروری ساخته است.

کلید واژه‌ها: نهج البلاغه، شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، امام علی، معتزله.

درآمد:

تاکنون درباره نهج البلاغه، کتاب‌های بی‌شماری به رشته تحریر درآمده است. از جمله شرح‌های بسیاری که برخی، تعداد آن را متجاوز از هشتاد دانسته‌اند (الغدیر: ج ۴ ص ۱۸۳)، و برخی دیگر، از یکصد و پنجاه یاد می‌کنند (الذریعه الی تصانیف الشیعه: ج ۱۴ ص ۱۱۳-۱۶۱). نوشته حاضر، درصدد معرفی شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین شروح نهج البلاغه است. سعی شده است، به صورت مختصر اما جامع، اطلاعات کاملی از این شرح، به خواننده محترم ارائه گردد. البته با عنایت به این‌که بررسی همه جانبه شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، مجال وسیع می‌طلبد، و برتر از آن است که بتوان در چند صفحه به طور کامل به آن پرداخت، اما سعی بر آن است تا ضمن اشاره به نکات و سرفصل‌های لازم، به هر یک، به اختصار پرداخته شود.

1. عضو هیئت علمی دانشکده علوم حدیث.

آشنایی با مؤلف شرح نهج البلاغه

عزالدین ابوحامد عبدالحمید بن هبة الله بن محمد بن حسین مدائنی، مشهور به ابن ابی الحدید، دانشمند، شاعر، ادیب، فقیه شافعی و اصولی معتزلی، در روز اول ذی الحجه، سال ۵۸۶ هـ، در شهر مدائن، در خانواده‌ای اهل علم و دانش، دیده به جهان گشود. جوانیش را در زادگاهش با تحصیل علوم سپری نمود و در جوانی به بغداد رفت و در آن شهر، در محضر علما و بزرگان مشهور بغداد، که بیشتر آنها شافعی مذهب بودند، به قرانت کتب و اندوختن دانش، پرداخت. او، در این دوران به آراء معتزله بصره و بغداد گرایش پیدا نمود، تا جایی که در مذهب معتزله، از اهل نظر شد. در ادبیات نیز، از محضر اساتیدی چون ابوالبقاء عکبری و ابوالخیر مصدق بن شیبیب واسطی، استفاده کرد. وی، به دلیل نزدیکی عقیدتی با ابن علقمی (۶۵۶ق/۱۲۵۸م)، وزیر ادیب و دانشمند مستعصم - آخرین خلیفه عباسی - در شمار کاتبان دیوان دارالخلافه درآمد (البدایه و النهایه ابن کثیر: ج ۱۳ ص ۱۹۹-۲۰۰).

او، در مدتی که در دربار عباسی خدمت می‌کرد، چند منصب گرفت، تا این‌که به سرپرستی کتابخانه‌های بغداد منصوب شد. ابن ابی الحدید، در شعر، طبعی رसा داشت، و در انواع مضامین، شعر می‌گفت، ولی مناجات و اشعار عرفانی او مشهورتر است. اطلاعات او درباره تاریخ صدر اسلام نیز گسترده بود. ابن ویژگی او، از شرح نهج البلاغه‌اش نیز به خوبی پیداست. وی در اصول، معتزلی و در فروع، شافعی بود و گفته شده است که مشربی میان تسنن و تشیع برگزیده بود. در مباحث عقیدتی خود در شرح نهج البلاغه، به موافقت با جاحظ تصریح دارد (شرح نهج البلاغه: ج ۱ ص ۸۵ و ۱۸۶). به همین لحاظ، او را معتزلی جاحظی نیز دانسته‌اند. ابن ابی الحدید، آثار متعددی دارد که برخی از آثار وی عبارت است از: شرح نهج البلاغه، الفلک الدائر علی المثل السائر، المستصریات (این کتاب مجموعه‌ای از اشعار است)، العبقری الحسان.

وی، سرانجام پس از آن‌که به وساطت خواجه نصیرالدین طوسی، از اسارت مغولان رهایی یافت، بر اساس آنچه ذهبی نقل می‌کند، در پنجم جمادی الاخر سال ۶۵۶ هجری قمری، به دیار باقی شتافت.

مذهب ابن ابی الحدید

ابن ابی الحدید، از جمله دانشمندانی است که هر یک از دو گروه شیعه و سنی، او را به گروه دیگر منتسب می‌کنند و مایلند که از زمره اندیشمندان گروه مقابل به شمار آید. به نظر می‌رسد، نفی و طرد وی از سوی اهل سنت، نخست از آن رو باشد که امام علی را افضل بر دیگر خلفا دانسته و در فضیلت آن حضرت، مطالب بسیار دارد، و در مهم‌ترین اثرش، یعنی شرح نهج البلاغه نیز، علی رغم وجود شواهد بسیار بر معتزلی بودنش، مطالبی را بیان می‌کند که بزرگان اهل سنت، آن مطالب را بر نمی‌تابند. دلیل دیگری که برای طرد او از سوی اهل سنت وجود دارد، این است که اگر از اهل سنت باشد، شرح بر نهج البلاغه، در واقع مهر تأییدی است از جانب اهل سنت، بر کتاب شریف نهج البلاغه و تصدیق بر بسیاری از دعاوی شیعیان بر علیه خلفای راشدین. از این رو، ابن کثیر، او را شیعی غالی دانسته است و درباره او می‌گوید:

عبدالحمید بن هبة الله بن محمد بن محمد بن محمد بن حسین ابو حامد بن ابی
الحدید عز الدین المدائنی، الکاتب الشاعر المطبق الشیعی الغالی، له شرح نهج
البلاغه فی عشرين مجلد... (البدایة والنهاية: ج ۱۳ ص ۲۳۲).

اما این که شیعه او را نفی کرده و از اهل سنت می‌داند، به چند دلیل است: نخست
آن که تصریح عقاید او در آثارش، به ویژه در شرح نهج البلاغه، تردیدی بر
معتزلی بودنش باقی
نمی‌گذارد. او، در آغاز کتابش، اتفاق همه شیوخ معتزلی خود (متقدمان، متأخران،
بصریان و بغدادیان) را، بر صحت شرعی بیعت با ابوبکر نقل می‌کند، و تصریح
می‌نماید که از رسول خدا نصی بر آن بیعت وارد نشده است، بلکه تنها انتخاب
مردم، که هم به اجماع و هم به غیر اجماع، راه تعیین پیشوا شمرده شده، موجب
صحت آن است (ابن ابی الحدید: ج ۱ ص ۷)، اما ابن ابی الحدید، به پیروی از
مکتب معتزله بغداد، علی را افضل از خلفای سه گانه می‌داند، و تصریح می‌کند
که آن حضرت هم در کثرت ثواب و هم در فضیلت و خصال حمیده، از دیگران
افضل است (همان: ج ۱ ص ۹). لیکن به عقیده وی، افضلیت امام ضروری نیست،
و لذا در خطبه آغاز کتاب، در همین معنی گفته است:

سپاس خداوندی را که مفضول را بر افضل مقدم داشت (همان: ج ۱ ص ۳).

او، همچنین درباره شهادت حضرت زهرا، دعای شیعیان را بدون توجه به
وجود مدارک آن در کتب اهل سنت، به شدت انکار کرده، و آن را از ساخته های
شیعیان می‌داند (همان: ج ۲ ص ۶۰)، و نیز در خصوص ایمان ابوطالب، ضمن
بیان این که هر دو قول مبنی بر ایمان و کفر ابوطالب، مستند بوده، و برای آن
مدارکی وجود دارد، قایل به توقف شده و هیچ یک از دو نظر را انتخاب نمی‌کند
(همان: ج ۱۴ ص ۶۵-۶۶).

دلیل دیگر طرد او از سوی شیعه، آن است که به همان دلیل که اهل سنت دانستن
ابن ابی الحدید برای آن فرقه مشکل آفرین است، برای شیعه سودمند است؛ زیرا
اگر ابن ابی الحدید، سنی مذهب باشد که البته هست، شرحش منحصر به فرد شده و
از اهمیت بالایی برخوردار می‌شود؛ چرا که در آن صورت، تأیید کتاب نهج-
البلاغه، به دست مخالفان صورت گرفته و دلیل محکمی بر اعتبار آن به شمار
خواهد رفت.

نگارش شرح نهج البلاغه

همانگونه که پیشتر ذکر شد، ابن علقمی یکی از ادیبان روزگار ابن ابی الحدید بود.
او، وزیر دانشمند و شیعه‌ای امامی آخرین خلیفه دستگاه عباسیان - «مستعصم»
عباسی - بود. از آنجا که ابن ابی الحدید بیش از همه به ادبیات علاقه‌مند بود ابن
علقمی نیز به او علاقه زیادی داشت و به او توجه زیادی می‌کرد. از این رو، او را
به نوشتن شرحی بر نهج البلاغه تشویق کرد. ابن ابی الحدید هم این کتاب را به
همراه مجموعه‌ای از اشعارش به نام سبع العلویات، که موضوع آن فتح خیبر و
مدح پیامبر و علی بود، به همراه مرثیه‌هایی بر امام حسین به ابن علقمی تقدیم

نمود، و از او صلۀ زیادی دریافت کرد. مرتبه والای نهج البلاغه از نظر ادبی باعث شده که ابن ابی الحدید پس از آشنایی با نهج البلاغه، شیفته آن شود و در نتیجه نسبت به امیرمؤمنان ارادت خاصی پیدا کند.

این علاقه و ارادت، او را بر آن داشت تا با وجود این که سنی مذهب بود، نسبت به شرح نهج البلاغه اهتمام ورزد و نتیجه اهتمام و تلاشش کتابی است که به شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید مشهور شده است (ترجمه شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۱ مقدمه). کتابی که در این نوشتار سعی خواهیم کرد تا مهم‌ترین ویژگی‌های آن را به بحث و بررسی بگذاریم.

ابن ابی الحدید، اثر جاودانه خود را در ۲۰ جزء به نام ابن علقمی وزیر تألیف کرد. شهرت و معروفیت ابن ابی الحدید به سبب تألیف این کتاب است. کتابی که مشتمل بر مجموعه عظیمی از ادب، تاریخ، کلام و فرهنگ اسلامی است. بر اساس گفته خودش، این شرح را در اول رجب ۶۴۴ ق آغاز کرد و در آخر صفر ۶۴۹ ق به پایان رسانید. از نکات تعجب برانگیز تدوین این اثر، چنان که خود او در آخر کتابش می‌نویسد (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۲ ص ۳۴۹)، تدوین آن در ۴ سال و ۸ ماه است. این مدت، با مدت خلافت امام علی مطابقت دارد. یکی دیگر از نکاتی که درباره شرح او قابل توجه است، این است که او شرح خود را در زمانی شروع کرد که قریب به پنجاه و هشت سال داشت (ترجمه شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۱ مقدمه ص ۱۲)، یعنی در زمانی که از کمال عقل و دانش و تجربه برخوردار شده و سرد و گرم روزگار را کشیده بود. بنابراین شرح او نیز به عنوان یکی از کامل‌ترین آثار او به شمار خواهد رفت و از آنجا که او تعصب زیادی را در شرح خود بر نهج البلاغه و استفاده از منابع به کار نبرده است، می‌توان اثر او را از اهمیت بالایی برخوردار دانست. اگرچه همین امر باعث شده است اندیشمندان متعصب اهل سنت کار او را بی ارزش قلمداد کرده و سعی در به فراموشی سپردن آن داشته باشند.

ویژگی‌های بارز شرح:

همانگونه که اشاره شد، این شرح در بین شیعیان از آن حیث که نویسنده‌اش فردی سنی است، ارزش و اهمیت والایی دارد، اما فارغ از مذهب نویسنده، دارای ویژگی‌هایی است که آن را از ارزش و اعتبار بالایی برخوردار کرده و همچنان آن را به عنوان یکی از بهترین شروح نهج البلاغه مطرح می‌کند. در اینجا چند ویژگی مهم آن را برمی‌شماریم:

۱. استفاده از منابع فراوان، مهم و در برخی موارد متروک

ابن ابی الحدید، به این دلیل که مدتها سرپرست کتابخانه‌های بغداد بود و نیز، کتابخانه ده هزار جلدی ابن علقمی را در اختیار داشت، از منابع بسیار مهمی استفاده کرده است که پیش از تاریخ طبری تألیف شده بود. همچنین کتاب‌های نادری چون المقالات، تألیف زرقان، شاگرد ابراهیم بن سیار نظام، و المقالات أبو القاسم کعبی بلخی، و فضایل امیر المؤمنین علی، از احمد بن حنبل، و الجمل هشام بن محمد کاتبی، و النکت، از ابراهیم بن سیار نظام، از جمله منابع این شرح ارزشمند

می‌باشد (ابن ابی الحدید، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه: ج ۱ مقدمه مترجم ص ۱۵).

اگر چه برخی نویسندگان نوشته‌اند که ابن ابی‌الحدید از نود و هفت منبع و مصدر و شصت مؤلف استفاده کرده است (روش‌شناسی تاریخی ابن ابی‌الحدید به نقل از تاریخ خلیفه: ص ۱۰۸)، اما احمد ربیعی، در کتاب خود، العذیق النصید بمصادر ابن ابی‌الحدید، مصادر شرح ابن ابی‌الحدید را ۲۲۲ کتاب دانسته و آنها را به پنج دسته تقسیم می‌کند:

- مصادری که او به اسم آن مصادر تصریح کرده است.
- مصادری که علاوه بر اسم کتاب، اسم مؤلف آن را نیز می‌نویسد.
- مصادری که تنها نام مؤلفش را ذکر می‌کند و از اثر آن، نام نمی‌برد. مثلاً می‌نویسد: جاحظ در یکی از آثارش می‌گوید: ...
- مصادری که تنها نام کاتبان آن را ذکر کرده است و اثری از عنوان کتاب یا مؤلف آن به چشم نمی‌خورد.
- مصادری که از قول افرادی که آن را دیده‌اند نقل می‌کند، بدون آن‌که از نام کتاب یا مؤلفش سخنی به میان آورده باشد (العذیق النصید بمصادر ابن ابی‌الحدید: ص ۱۱۸).

البته علاوه بر این مصادر، برخی مصادر دیگر را نیز ذکر می‌کند، مانند مصادر اشعاری که به آنها استشهاد می‌کند، نامه‌ها و مکتوباتی که از پیامبر، امام علی، خلفاء و البیان و امیران بلاد به جا مانده است و مصادر شفاهی که از معاصران خود نقل کرده است (همان: ص ۱۱۹).

وی پس از آن‌که در مجموع، تعداد ۲۲۲ کتاب از مصادر شرح ابن ابی‌الحدید را به همراه ۱۴۳ نام از اسامی مؤلفان آنها، معرفی می‌کند، برخی از آنها را بیشتر معرفی کرده و در مورد برخی دیگر، تنها به ذکر نام کتاب بسنده می‌کند. بدیهی است، چون بخش قابل توجهی از مصاد مورد استفاده ایشان، در عصر حاضر ناشناس است، و حتی مؤلف آن نیز قابل شناسایی نیست، از بین رفته و دور از دسترس ما تلقی می‌شود (همان: ص ۲۶۱).

۲. استفاده از منابع گروه‌های مختلف شیعی و سنی
از دیگر ویژگی‌های این کتاب، استفاده مؤلف آن از منابع تاریخی و کلامی گروه‌های مختلف شیعی و سنی است. برای مثال، او، هم از کتاب قاضی عبدالجبار معتزلی بهره‌ها برده، هم از کتاب الشافی سید مرتضی علم‌الهدا (شرح نهج البلاغه: ج ۲ ص ۳۲۸). او، همچنین از ذکر آراء شافعی، أبوحنیفه، شیخ مفید و شیخ طوسی نیز فروگذار نکرده. برای مثال در ردّ دفاعیات قاضی عبدالجبار از عثمان بیش از ۸۰ صفحه مطالبی را از سید مرتضی و پاسخ‌های او به مطالب قاضی عبدالجبار می‌آورد (همان: ج ۲ ص ۳۲۸ تا آخر و ج ۳ ص ۱ تا ۶۹).

۳. چند بُعدی بودن
این شرح، از جهات محتوایی، با دیگر شروح متفاوت است و نسبت به اغلب آنها برتری دارد. برای مثال، شرح ابن میثم بر نهج البلاغه هرگز نمی‌تواند در جنبه‌های

ادبی و تاریخی، با این شرح برابری کند. علامه تستری (شوشتری) در مقدمه شرح خود، شرح ابن میثم بر نهج البلاغه را مورد نقد قرار داده و می‌نویسد:

و أما ابن میثم، فمذاقه مذاق الفلاسفة، یرتکب کثیرا تأویلات غیر صحیحة و یعلل بعلل علیة (شرح ابن میثم: ج ۲ ص ۳۸۵)، کما فی شرحه لقوله: «و أنا لکم وزیراً، خیر لکم منی أمیراً» (نهج البلاغه: خطبه ۹۰)، و یخبط کثیرا فی فهم المراد، کما فی شرحه لقوله: «و ایم الله لو فرقوکم تحت کلّ کوکب لجمعکم الله لشرّ یوم لهم» (نهج البلاغه: خطبه ۱۰۴)، مع قلّة اطلاعه علی التاریخ فیخبط فیہ... (نهج الصباغة فی شرح نهج البلاغه: ج ۱ ص ۲۵).

و اما ابن میثم، گرایش او به سوی فلاسفه (موجب شده است) که مرتکب تأویل‌های نادرست زیادی شود و تعلیل‌های اشتباهی از او صادر شود، آن‌گونه که در شرح سخن امام که فرمود: «و این‌که من برای شما وزیر باشم بهتر است از آن‌که فرمانروا باشم»، مرتکب شده است، و در موارد زیادی در فهم مقصود امام، به خطا رفته است، کما این‌که در شرح سخن امام که فرمود: «به خدا قسم! اگر آنها، شما را طوری پراکنده کنند که هر یکتان (از ترس‌شان)، در زیر یک ستاره پنهان شوید، باز خدا شما را گرد می‌آورد، تا تماشای روز بدی که برای آنان در پیش است، بنمائید (و ببینید خدا چگونه کیفر کردارشان را در کنارشان می‌نهد)»، با این‌که او از تاریخ آگاهی ناچیزی داشت و در مورد آن اشتباهاتی دارد.

وی همچنین درباره شرح خوبی، علاوه بر ناقص دانستن آن، می‌نویسد: لیس فیہ سوی الإکتار من الأخبار الضعیفة، مع اقتصاره علی ما ورد من طریقنا الذی لایکون حجة علی غیرنا، مع قلّة اطلاعه علی التاریخ، فتبع ابن میثم فی کثیر من خبطاته المتقدمة (همان: ص ۲۶).

در آن شرح چیزی جز روایات ضعیف فراوان، همراه با روایاتی که طرق وصول به آن روایات مورد قبول عامه نبوده و آن‌ها را حجت نمی‌دانند، نیست. بعلاوه او از تاریخ نیز آگاهی کمی داشته و در اشتباهات، از ابن میثم دنباله روی کرده است.

اما در مورد شرح ابن ابی الحدید، وضعیت به‌گونه‌ای دیگر است. این شرح را می‌توان دایره‌المعارفی از علوم ادبی، کلام، فقه، اخلاق، تاریخ صدر اسلام، انساب و فرهنگ عامه عرب دانست؛ زیرا او، در هر فصلی، کارها و وقایع تاریخی مربوط به آن را شرح داده و اشاره‌هایی نیز در علم توحید و عدل آورده است، و در جایی‌که نیاز بوده، از مثل‌ها و نکات ظریف استفاده کرده است. همچنین مسائل فقهی نهج البلاغه را توضیح داده، و بالاخره اشاره‌ها و رموزی که امام علی بیان فرموده است، را نیز توضیحاتی داده است. اگرچه کتاب وی را از جنبه ادبی، تاریخی، اجتماعی و کلامی نسبت به دیگر موضوعات برتری دارد.

۴. تعصب نداشتن

وجود تعصب حتی در بین شارحان شیعه باعث شده است که شرح آنها مورد خدشه قرار گیرد و از اعتبار آنها بکاهد؛ برای مثال، علامه تستری در باره شرح ابن میثم می‌گوید:

و من العجب أنه مع عدّه نفسه من الفلاسفة یأتی باللجاج، ففی کثیر من تلک الموارد یری أنّ ابن ابی الحدید قال: إنّ الراوندی خبط فیها، و أنّه استهزأ به

لعدم اطلاعه علی التاریخ، و مع ذلك أصرّ علی متابعة الراوندي (همان: ص ۲۶).

و از امور تعجب برانگیز این که او علی رغم آن که خود را از فلاسفه به شمار آورده است، اما لجاجت ورزیده و با اینکه می بینید ابن ابی الحدید گفته است که راوندی اشتباه کرده و او را به خاطر آگاهی نداشتن به تاریخ، به تمسخر گرفته است، اما با این حال به پیروی از راوندی اصرار ورزیده است. و درباره شرح خویی، آن گونه که گذشت، می نویسد، وی در بسیاری از خطاها و اشتباهاتش از راوندی پیروی کرده است. این در حالی است که یکی از ویژگی های ابن ابی الحدید، متعصب نبودن وی است. ابن ابی الحدید علی رغم اعتقاد به خلافت خلفای راشدین، در مورد علی تا اندازه بسیاری، انصاف را رعایت کرده و حق را به جانب آن حضرت دانسته است. همین امر باعث شده است، تا اهل سنت به راحتی او را از خود طرد کنند و وی را منتسب به شیعه بدانند. ابن ابی الحدید در شرح خود، از هر گونه تعصب بی جا دوری گزیده و سعی کرده است تا آراء گوناگون را عرضه کند. به همین سبب از این نظر در بین دیگر شروح نهج البلاغه، از برجستگی ویژه ای برخوردار است.

۵. ذکر حوادث معاصر مؤلف

یکی دیگر از برجستگی های شرح ابن ابی الحدید، وجود گزارش های تاریخی مبسوط از ابتدای خروج مغولان و فتح ماوراءالنهر و خراسان و عراق و دیگر نواحی و هجوم آنان به بغداد، در آن است. بنابراین کتاب او را می توان به عنوان یکی از منابع مهم تاریخ در این موضوع به شمار آورد.

۶. ذکر وقایع صدر اسلام، متناسب با کلام امام علی

او، سعی کرده است تا با بیان وقایع اتفاق افتاده، معنا و مفهوم سخن امام را بهتر برای خواننده روشن سازد. به تحقیق، یکی از علل طولانی شدن شرح نهج البلاغه، پرداختن به وقایع تاریخی مرتبط با خطبه های امام بوده است، و شاید بتوان کتاب او را، در زمره منابع تاریخ عصر علی بن ابی طالب قلمداد کرد. از این رو علامه تستری، با وجود تمجید از این شرح، زیاده روی در نقل وقایع تاریخی را به عنوان یک عیب برای کتاب برمی شمارد، و می نویسد:

ففي بعض الموارد يفرط في نقل التاريخ حتى يمكن أن يجعل ما نقل تاريخاً مستقلاً، و كان عليه أن يقتصر على المقدار المناسب للعنوان (نهج الصباغة: ج ۱ ص ۲۴).

خطبه چهل و ششم نهج البلاغه، که امام به هنگام عزیمت به شام و عبور از سرزمین کربلا، برای مقابله با معاویه ایراد نموده است، نمونه خوبی برای این ویژگی به شمار می رود. این خطبه با این که کمتر از چهار سطر است، اما ابن ابی الحدید به واسطه پرداختن به جریان ورود امام به کربلا، و آنچه بین امام و اصحابش اتفاق افتاد، چندین صفحه به شرح واقعه، و همچنین نامه محمد ابن ابی بکر به معاویه پرداخته است (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۳ ص ۱۶۹-۱۹۰).

وی، در شرح خطبه ۴۴، که کمتر از سه سطر است و امام در آن مصفلة بن هبیره را به خاطر سرپیچی از فرمان امام و فرار او به سمت معاویه، تقبیح می‌کند، بیش از ۳۰ صفحه، به تفصیل، اصل ماجرا و اتفاقات مربوط به آن را تبیین می‌کند تا خواننده بتواند با آگاهی کامل از ماجرا، معنا و مفهوم سخن امام و علت صدور آن سخن را، به خوبی درک کند (همان: ج ۳ ص ۱۱۹-۱۵۱).

البته او برای گزارش وقایع و حوادث تاریخی و شناخت اخبار صحیح از سقیم و گزارش‌های واقعی از ساختگی، از دو روش به صورت همزمان و در کنار هم، استفاده می‌کند. آن دو روش عبارت است از روش سندی و روش محتوایی؛ همانگونه که یک محقق برای استناد به یک حدیث، هم درباره سند حدیث، و هم درباره فهم معنای آن، تلاش می‌کند تا بتواند به آن حدیث اعتماد کند، ابن ابی الحدید نیز در گزارش وقایع تاریخی از این دو روش بهره می‌جوید تا با به کار گیری فنون فهم حدیث به حقیقت معنای کلام امام دست پیدا کند.

ابن ابی الحدید، در تحقیقات تاریخی خویش، ترکیبی از دو شیوه، حدیثی و تاریخی را به کار بسته است. توجه و دقت نظر وی در بررسی زنجیره (اسناد) یک خبر، براساس همان شیوه رایج در علم حدیث و رجال (شیوه نقد سندی) است، ولی در روش دوم، بررسی محتوایی و متنی اخبار و گزارش‌های تاریخی را نیز مدنظر دارد (مقاله روش‌شناسی تاریخی ابن ابی الحدید: مجله پژوهش حوزه، ش ۱۳ و ۱۴).

۷. توجه ویژه به فصاحت و بلاغت سخنان امام

با توجه به علاقه شخصی ابن ابی الحدید به ادبیات عرب، از مهم‌ترین ویژگی‌های شرح نهج البلاغه وی توجه به جنبه‌های ادبی نهج البلاغه است. شرح او، از نظر ادبی، شرحی بسیار منحصر به فرد است. ابن ابی الحدید شیفتگی‌اش را به فصاحت و بلاغت بیانات و نگاشته‌های علی، در جای جای شرحش ابراز می‌کند. یکی از معروف‌ترین اعتراف‌های او، وقتی است که نامه امام به عبدالله بن عباس را شرح می‌کند؛ نامه‌ای که امام، پس از تصرف مصر به دست سپاهیان معاویه، به ابن عباس نوشته است. او، در آنجا می‌نویسد:

انظر! الی الفصاحه کیف تعطی هذا الرجل قیادها و تملک زمامها... (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۱ ص ۱۴۵ و ۱۴۶).

فصاحت را ببین که چگونه افسار خود را به دست این مرد داده، و مهار خود را به او سپرده است. نظم عجیب الفاظ را تماشا کن. یکی پس از دیگری می‌آیند و در اختیار او قرار می‌گیرند، مانند چشمه‌ای که خود به خود و بدون زحمت از زمین می‌جوشد، سبحان الله! جوانی از عرب در شهری مانند مکه، بزرگ می‌شود، با هیچ حکیمی برخورد نکرده است، اما سخنانش در حکمت نظری بالا دست سخنان افلاطون و ارسطو قرار گرفته است. با اهل حکمت عملی، معاشرت نکرده است، اما سخنانش از سقراط بالاتر است. در میان شجاعان و دلاوران تربیت نشده است؛ زیرا مردم مکه، تاجر پیشه بودند و اهل جنگ نبودند، اما شجاع‌ترین بشری از کار درآمد که روی زمین راه

رفته است. از خلیل بن احمد پرسیدند: علی، شجاع‌تر است یا عنبسه و بسطام؟ گفت: عنبسه و بسطام را با افراد بشر باید مقایسه کرد؛ علی مافوق افراد بشر است. این مرد، فصیح‌تر از سبحان بن وائل و قیس بن ساعده، از کار در آمد و حال آن‌که قریش که قبیله او بودند، افصح عرب نبودند، افصح عرب (جرهم) است، هر چند زیرکی زیادی ندارند.

و یا در جای دیگری می‌گوید:

أما الفصاحة، فهو امام الفصحاء، و سيد البلغاء و في كلامه قيل: دون كلام الخالق و فوق كلام المخلوقين، و منه تعلم الناس الخطابه و الكتابه... (همان: ج ۱ ص ۲۴ و ۲۵).

أما در فصاحت، پس امیر المؤمنین، پیشوای فصحاء و سرور بلغا بود؛ به حق، سخن علی را از سخن خالق فروتر و از سخن مخلوق فراتر خوانده‌اند، و مردم همه دو فن خطابه و نویسندگی را از او فرا گرفته اند...

وی در جای دیگری می‌آورد:

سوگند به کسی که همه امت‌ها به او سوگند می‌خورند، من این خطبه را (الهیکم التکائر) در مدت پنجاه سال، تاکنون بیش از هزار بار خوانده‌ام. هیچ بار در آن تأمل نکردم، مگر آن که در من خشیت و خوف و پندی ایجاد کرد و در دلم تأثیر نهاد، و مرا به لرزه آورد. هیچ بار در آن تأمل نکردم، مگر آن که به یاد مردگان از خویشاوندان و نزدیکان و دوستانم افتادم، و چنین تصور کردم که آن را که حضرت به توصیف حالش پرداخته، خود من هستم. در این زمینه، بسیاری از خطبا و فصحا داد سخن داده‌اند، و من آن‌ها را مکرر خوانده‌ام، ولی هیچ کدام تأثیر کلام امیر المومنین را بر من نداشته است (همان: ج ۱ ص ۱۵۳).

و بالاخره در مقایسه خطبه ابن نباته - که از ادبای قرن چهارم بود و مردم را به جهاد برانگیخت - با خطبه ۲۷ نهج البلاغه که متضمن دعوت مردم به جهاد است، می‌گوید:

اگر بخواهیم از دایره انصاف دور نشویم، باید نسبت آن دو را، نسبت شمشیر چوبین با تیغ فولادین، بدانیم؛ گرچه خطبه ابن نباته، از صناعات بدیعی بهره‌مند است، ولی کلام امیر مومنان در اوج آسمان است (همان: ص ۸۴-۸۲).

لذا برخی صاحب نظران، درباره نهج البلاغه و شرح ابن ابی الحدید، به این نکته توجه کرده‌اند که شارح مزبور، عظمت بلاغی نهج البلاغه را دلیل اصالت آن و درستی انتسابش به علی بدانند، و بگویند:

عظمت والای نهج البلاغه، به ویژه از منظر ادبی و فن بلاغت، آن‌گونه که گردآورنده آن، یعنی سید رضی نیز بر آن توجه داشت، و نام این کتاب شریف را نهج البلاغه نامید، سبب شد تا توجه ابن ابی الحدید به این اثر والا توجه کرده و در جای جای شرح خود، بر این کتاب اختیار از کف دهد و زبان به تحسین عبارات نهج البلاغه گشاید و او را وادار سازد تا یکی از

راه‌های اثبات اصالت نهج البلاغه را در تبیین عظمت بلاغی آن ببیند (مجله سفینه: ش ۵ ص ۱۳۷).

ویژگی‌های ادبی شرح:

ویژگی‌های ادبی شرح نهج البلاغه عبارت است از:

۱. شعر فراوان

مؤلف در شرح خود، حدود هشت هزار بیت شعر، در موضوعات مختلف صرفی و نحوی و لغوی و تاریخی و بیان عقاید و رسوم عامه اخلاق عرب مورد استفاده قرار داده، و به آن استشهد کرده است. این امر، علاوه بر غنا بخشیدن به شرح و پر رنگ کردن جنبه ادبی آن، باعث تنوع بخشی به شرح کلمات امیرالمؤمنین شده و خواننده را بر سر شوق می‌آورد، و از خستگی زودرس او جلوگیری می‌کند؛ در عین حال، معنا و مفهوم جملات امام را بهتر در ذهن خواننده پایدار می‌سازد. شاید بتوان یکی دیگر از علل حجم بالای این شرح ارزشمند را، وجود اشعار اعم از رباعیات، غزلیات و حتی قصاید دانست.

وی در ضمن شرح جمله امام که فرموده است: *قَالَمَوْتُ فِي حَيَاتِكُمْ مَقْهُورِينَ وَالْحَيَاةُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ*، به ذکر چندین شعر از اشعار شاعران عرب می‌پردازد که شعر زیر از «التهامی» یکی از آنهاست:

فموت الفتى فى العز مثل حياته و عيشته فى الذل مثل حمامه شرح
(نهج البلاغه ابن ابى الحديد: ج ۳ ص ۲۴۵)

مرگ با عزت جوانمرد، همانند حیات او، و زندگی همراه با خواری، همانند مرگ اوست.

و نیز در شرح خطبه ۶۸ که امام علی در تذکر دادن به خطرات دلبستگی به دنیا، بیان فرموده‌اند، اشعار زیادی را می‌آورد که یکی از آنها در زیر آمده است:

دنیایک دار غرور و نعمة مستعاره

دنیا، خانه فریب است، و نعمتی فانی و گذراست.

و دار اکل و شرب و مکسب و تجاره

و خانه خوردن و آشامیدن و کسب و تجارت است.

و رأس مالک نفس فخف علیها الخساره

سرمایه‌ات، عمرت است، پس بترس از این که زیان کنی!

و لا تبعها بأکل و طیب عرف و شاره

پس آن را به خوردن و بوی خوش و دستاری مفروش.

فإن ملک سلیمان لا یفی بشراره (همان: ص ۳۳۷)

چرا که ملک سلیمان هم در ازای شعله‌های آتش [دوزخ] نمی‌ارزد!

و نیز از *أبو العتاهیه*، شعر ذیل را می‌آورد:

ألا إنما التقوى هی البر و الکریم و حیک للدنیا هو الفقر و العدم

آگاه باشید که پرهیزکاری همان نیکی کردن و بخشش است، و

دلبستگی تو به دنیا، همان فقر و نیستی است.

و ليس على عبد تقى غضاضة إذا صحح التقوى و إن حاك أو حجم
(همان: ص ۳۳۷)

و بر بنده پرهیزکار، خفت و خواری راه ندارد، اگر به رعایت تقوی ملتزم باشد.
اگرچه در ظاهر به دنیا مشغول باشد و یا از آن فاصله گرفته باشد.

۲. ترجمه لغات مشکل

یکی دیگر از ویژگی‌های ادبی این شرح، توضیح صرفی و نحوی کلمات مشکل است. روش ابن ابی الحدید در شرح عبارات *نهج البلاغه* این است که در صورت وجود کلمات دشوار در خطبه یا سخن و نامه امام، ابتدا معنا و مفهوم آن واژه‌ها را توضیح می‌دهد، و سپس به شرح می‌پردازد. البته در بیان معانی واژه‌ها، نامی از منبع لغوی خود متذکر نمی‌شود، لکن گاهی اوقات به نسخه بدل‌ها نیز اشاره می‌کند. برای مثال در خطبه ۵۲ عبارتی از امام نقل شده است که می‌فرماید:

ألا و إنَّ الدُّنْيَا قَدْ نَصَرَمَتْ وَ أَدْنَتْ بِانْقِضَاءِ وَ تَتَكَرَّرَ مَعْرُوفُهَا وَ أَدْبَرَتْ حَذَاءَ
فَهِيَ تَحْفَزُ بِالْفَنَاءِ سُكَّانَهَا (نهج البلاغه: خطبه ۵۲).

ابن ابی الحدید در بیان معانی واژه‌های مشکل این عبارت می‌نویسد:

تصرمت: انقطع و فنیست و آذنت بانقضاء: أعلمت بذلك، آذنته بكذا: أي أعلمته و تتكرر معروفها: جهل منها ما كان معروفا، و الحذاء: السريعة الذهاب و رحم حذاء مقطوعة غير موصولة.

وی سپس به نسخه بدلی اشاره می‌کند و می‌گوید:

و من رواه جذاء بالجيم أراد منقطعة الدر و الخیر، و تحفز بالفناء سكانها
تعجلهم و تسوقهم و أمر الشيء صار مرا (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید:
ج ۳ ص ۳۳۳).

او، همچنین در بسیاری از واژه‌های مشکل، شواهدی از شعر یا نثر به خوانندگان خود ارائه می‌کند (همان: ج ۶ ص ۱۰۲، خطبه ۶۸).

۳. توضیح نکته‌های ادبی

ابن ابی الحدید، گاهی در شرح خود مباحث ادبی را مطرح کرده است. برای مثال، به کسانی که بر وجود سجع در *نهج البلاغه* خرده گرفته‌اند، اشکال می‌کند و پاسخ آنها را به خوبی می‌دهد (همان: ج ۱ ص ۱۲۶). وی، همچنین سراسر سخنان علی را به جسم بسیطی که قسمت‌های گوناگون آن، در ماهیت با یکدیگر اختلافی ندارند، و نیز به قرآن کریم که اول، وسط و آخر، و هر سوره و هر آیه آن در مأخذ و شیوه و فن و روش و نظم، مانند یکدیگرند، تشبیه می‌کند، و با توجه به صحت اسناد برخی از مطالب *نهج البلاغه* به حضرت علی، از راه تواتر، و به ویژه به دلیل آن‌که اغلب مورخین غیر شیعه نیز بسیاری از خطب این کتاب را به علی نسبت داده‌اند، بطلان سخن کسانی که گفته‌اند *نهج البلاغه* یا بخش‌هایی از آن، به نادرستی به امیرالمؤمنین نسبت داده شده است، را نتیجه می‌گیرد (همان: ج ۱ ص ۱۲۶-۱۳۰).

نقدهای وارد بر شرح ابن ابی الحدید

شرح ابن ابی الحدید، با همه محاسن و ویژگی‌های منحصر به فردش، خالی از عیب نیست؛ عیوبی که از نظر صاحب نظران مخفی نمانده است. برخی از اشکالات مطرح، وارد نیست، مانند عیب عنادورزی مؤلف با شیعیان و برخی عقاید آنها، که از سوی برخی بزرگان شیعه مطرح شده است؛ زیرا به هر حال، او، معتزلی است و از دانشمندی معتزلی جز این انتظار نیست. علاوه بر آن که اغلب صاحب نظران، او را معتزلی معتدل می‌دانند، تا جایی که برخی او را شیعه دانسته‌اند. بنابراین عناد ورزی با عقاید شیعه از سوی مؤلفی معتزلی طبیعی است، و اگر چنین مؤلفی از تعصب زیاد پرهیزد و در بعضی موارد، مدافع عقاید شیعه باشد، نه تنها عیبی بر او نیست، بلکه مزیتی بسیار مهم و حُسنی قابل توجه، برای او به شمار خواهد آمد. بنابراین به نظر می‌رسد شرح ابن ابی الحدید، چون مؤلفش سنی و معتزلی است، و مشتمل بر برخی مطالبی است که با عقاید شیعه سازگار است، برای شیعه حایز اهمیت است، و اگر ابن ابی الحدید را شیعی بدانیم، دیگر اهمیتی را که هم اکنون این شرح برای شیعیان دارد را از دست خواهد داد. با این حال علامه تستری، در مقدمه شرح خود بر نهج البلاغه، شرح ابن ابی الحدید را در چند جمله نقد می‌کند، و معایبی را برای آن می‌شمارد.

و إن ادعی أنه (شرح ابن ابی الحدید)، تاریخی ادبی إلا أن فیه معایب، ففی بعض الموارد یفرط فی نقل التاریخ حتی یمکن أن یجعل ما نقل تاریخاً مستقلاً و کان علیه أن یقتصر علی المقدار المناسب للعنوان، و فی بعض الموارد لا ینقل شیئاً أصلاً، كما أنه فی الأدب کذلک قد یفرط و قد یفرط، بل ینقل کثیراً ما لا ربط له أصلاً ... و قد یغفل عن شیء فی محله ویذکره فی غیره، كما تراه فی أول فصل الجمل فی قوله : «ربّ عالم قد قتله جهله، و علمه معه لا ینفعه».

و له أو هام کثیرة، فنسب الخطبة (۳۹) الی کونه فی غارة النعمان مع أنه کان فی قتل محمد بن ابي بکر، و له تفسیرات باطلة كما ستقف علیها فی المطاوی کرارا (بهج الصباغة: ج ۱ ص ۲۴ و ۲۵).

این انتقادهای را در موارد ذیل می‌توان برشمرد:

- افراط در نقل تاریخ.
- غفلت از ذکر برخی وقایع تاریخی لازم.
- افراط و تفریط در ذکر نکات ادبی.
- ذکر برخی مطالب که تناسب با مطلب امام ندارد.
- اشتباه در نسبت دادن برخی خطبه‌ها به واقعه‌ای خاص.
- اشتباه در تفسیر برخی عبارات امام .

البته علامه تستری، هر چند شرح ابن ابی الحدید را مورد نقد قرار می‌دهد، اما در پایان، اعتراف می‌کند که شرح او حاوی مطالب مهم و نیکویی است، و تنها

اشکالش، مراعات نکردن تناسب در نقل مطالبی است که برای فهم کلام
امیرالمؤمنین لازم است.

و هو و إن نقل فی شرحه أشياء حسنة و ذکر فیہ أموراً مهمّة، إلا أنه لم یراع
المناسبة فی الغالب (همان: ص ۲۴).



کتابنامه

۱. *البداية والنهاية*، اسماعيل بن كثير الدمشقي، بيروت: دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۸.
۲. *بهج الصباغة في شرح نهج البلاغة*، محمد تقی تستری، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶.
۳. *جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه*، محمود مهدوی دامغانی، ترجمه شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، تهران: نشر نی، ۱۳۷۴.
۴. *النزیرة الی تصانیف الشیعة*، محمد محسن، (آقا بزرگ تهرانی تهرانی)، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳.
۵. *روش شناسی تاریخی ابن ابی الحدید*، محمود حیدری آقایی، مجله پژوهش حوزه، سال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۴.
۶. *شرح نهج البلاغه*، عبدالحمید بن محمد بن محمد ابن ابی الحدید، دار احیاء الکتب العربیه.
۷. *شرح نهج البلاغه*، میثم بن علی بن میثم بحرانی، ترجمه: محمد رضا عطایی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.
۸. *العذیق النضید بمصادر ابن ابی الحدید*، احمد ربیعی، بغداد: مطبعة العانی، ۱۴۰۷ق.
۹. *الغدیر*، عبدالحسین احمد امینی نجفی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۳۷۹.
۱۰. مجله سفینه، مجید معارف، سال دوم، شماره ۵، زمستان ۸۳، ص ۱۳۷.